



تفاوت شبهه با حقیقت/ شبهه مأمون بر آیه مباهله و پاسخ امام رضا(ع)

برای دوستان خدا نوری که آنان را در تاریکیهای شبهه رهنمائی کند، «یقین» آنهاست و راهنمای آنها مسیر هدایت است...

خبرگزاری مهر - برای دوستان خدا نوری که آنان را در تاریکیهای شبهه رهنمائی کند، «یقین» آنهاست و راهنمای آنها مسیر هدایت است، ولی دشمنان خدا گمراهیشان آنها را به شبهات دعوت می کند، و راهنمای آنها کوری باطن است. امام علی(ع) در خطبه سی و هشتم نهج البلاغه در مورد شبهه می فرمایند: «شبهه» را از این رو «شبهه» نام نهاده اند که شباهت به حق دارد، اما برای دوستان خدا نوری که آنان را در تاریکیهای شبهه رهنمائی کند، «یقین» آنهاست و راهنمای آنها مسیر هدایت است، ولی دشمنان خدا گمراهیشان آنها را به شبهات دعوت می کند، و راهنمای آنها کوری باطن است آن کس که از مرگ بترسد هرگز به خاطر این ترس، از مرگ نجات نمی یابد همان طور که آن کس که مرگ را دوست دارد برای همیشه در این جهان باقی نخواهد ماند.

سخنان طرفداران باطل را به این جهت «شبهه» می گویند، که چگونگی ترکیب آنها طوری است که مردم آن را حق می پندارند و واقعیت بر آنها مشتبه می شود، به همین جهت که این سخنان به حق شباهت دارد آن را شبهه می گویند، اما به سخنانی که مردم را به حق می رساند «دلیل» گفته می شود.

شبهه (بر وزن شیّه و شبّه) به معنای مثل و نظیر است. شبهه در لغت به معنای مشابَهت و پوشیدگی است. معانی دیگری چون اشتباه، احتمال اشکال و شک نیز دارد و همچنین چیزی که حق و باطل در آن معلوم نیست را شبهه می نامند. شبهه آن است که دو چیز در اثر مماثلت از همدیگر تشخیص داده نشوند و ما صلبوه و لکن شیّه لهم؛ شبهه یعنی هر اشکال، پرسش یا ابهامی که در برداشت ها، تحلیل ها، تصمیمات و رفتارهای مرتبط با سعادت فرد یا جامعه منشأ خطا و اشتباه در شناخت حق از باطل گردد. به عبارت دیگر شبهه خود را شبیه به حق می نمایاند و راه شناخت حق از باطل را مشکل و افراد را دچار شک و تردید می کند.

نخستین شبهه

گویند نخستین شبهه که در خلقت شد بوسیله ابلیس بوده در باب خلقت آدم، او گفته است که آدم را از خاک بیافریدی و من را از نار و نار را بر خاک مزیت است و در شأن من نیست که به آدم سجده کنم.

تفاوت پرسش و شبهه

درباره تفاوت پرسش و شبهه تفاوت های چندی بیان شده است که می توان به مهم ترین آن در این جا اشاره کرد: پرسش در حقیقت جست و جوی بشر برای شناخت است و پرسشگر با بیان پرسش و سؤال می کوشد تا موضوع و مطلبی را بشناسد و آنرا درک و فهم کند. در حالی که هدف از شبهه، ایجاد تردید و شک در دل مخاطب است و شبهه گر می کوشد تا در بنیادهای اعتقادی و باوری شخص تردید افکند. درحقیقت تفاوت شبهه و پرسش را باید در کارکرد و اهداف آن دانست. کارکرد پرسش فهم و شناخت است، در حالی که شبهه برای این طرح می شود تا مخاطبان خود را به چالش بکشاند. از سویی دیگر در شبهه، باطل به طور عمدی و خواسته حضور دارد و شبهه گر با آمیختن حق و باطل می کوشد کلام باطل خود را با رنگ و لعابی از حق به دیگران منتقل کند، از این روست که حضرت امیرمؤمنان(ع) فرمودند: «انما سمیت الشبهه شبهه لانها شبهت بالحق»؛ از آن رو شبهه را شبهه نامیده اند که به حق شبیه و همانند است.

شبهه مامون به مباهله و پاسخ امام رضا(ع)

معروف است و در کتاب ها نقل شده که مأمون از امام رضا(ع) پرسید چرا مردم شما را یا ابن رسول الله(ص) خطاب می کنند و به ما یا ابن رسول الله(ص) نمی گویند در حالی که ما هر دو از شجره پیغمبر(ص) هستیم ما سادات عباسی هستیم و شما سادات علوی و جد شما علی بن ابیطالب است که پسر عموی پیغمبر بودند و جد ما هم ابن عباس است که ایشان هم پسر عموی پیغمبر(ص) بودند. حضرت رضا(ع) جواب فرمودند که این را از خود مردم سؤال کنید که چرا ما را یا ابن رسول الله(ص) خطاب می کنند و به شما نمی

گویند. مأمون اصرار کرد که جواب آنرا از شما می‌خواهم بشنوم. امام رضا در یک کلام فرمودند به دلیل "ابنائنا" که استناد به آیه شریفه مباهله است.

خداوند در آیه مباهله می‌فرماید: 171#& فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ پس هر که در این [باره] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده با تو محاجه کند بگو بیایید پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم سپس مباهله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم. 171#& (آیه 61 سوره آل عمران) در این آیه خداوند امام حسن(ع) و امام حسین(ع) را به عنوان فرزندان رسول خدا(ص) معرفی کرده و از این نظر هم مردم ما را فرزندان رسول خدا می‌دانند ولی آیه مباهله و کلمه "ابنائنا" در شأن شما نازل نشده است.

مأمون شبهه ای مطرح و در پاسخ امام رضا(ع) گفت: 171#& لولا نساءنا؛ یعنی این استدلال صحیح است به شرط اینکه در دنباله آیه کلمه 171#& نساءنا؛ وجود نداشته باشد. نساء نا یعنی زنان ما و پیغمبر اکرم از زنان خودشان کسی را نبردند بلکه تنها بانویی که در داستان مباهله حضور دارند حضرت زهرا(س) هستند. مقصود مأمون این بود که در این آیه مجاز به کار رفته همچنان که مجازا کلمه 171#& نساءنا؛ وارد شده و حضرت فاطمه زهرا در مباهله حضور دارند. بنابراین امام حسن(ع) و امام حسین(ع) فرزندان رسول خدا نیستند و به صورت مجاز اطلاق ابن و فرزند شده است؛ این نقضی بود بر استدلال امام رضا(ع).

امام در جواب مأمون فرمودند: 171#& لولاء انفسنا؛ یعنی این استدلال شما هم صحیح است اگر کلمه 171#& انفسنا؛ به دنبال آن نبود. کلمه 171#& انفسنا؛ دلالت بر این دارد که حضرت امیرالمؤمنین(ع) نفس پیامبر(ص) هستند. حضرت فاطمه زهرا(س) هم همسر امیرالمؤمنین(ع) هستند و اطلاق نساءنا به اعتبار حضرت امیرالمؤمنین(ع) صحیح است و چون حضرت امیر(ع) نفس پیامبر هستند. بنابراین کلمه نساء مجاز نیست و حقیقت است و کلمه ابنا هم مجاز نیست و حقیقت است. مأمون وقتی این جواب امام رضا(ع) را شنید سر تسلیم فرود آورد و تصدیق کرد شایسته است که ائمه(ع) را فرزندان رسول خدا(ص) بخوانند. این فرزند خواندن به اعتبار حضرت فاطمه زهراست و بنی عباس گرچه از سادات عباسی هستند ولی به آنها ابنا رسول خدا(ص) نمی‌گویند.

شبهه منافات انتظار با قیام

از جمله برداشتهای بد و مغالطه آمیز توهمی است که از مفهوم انتظار شکل گرفته است که انتظار یعنی انزوا، انفعال، بی‌اعتنایی به حکومت‌های نامشروع و بی‌تفاوتی به اصلاح جامعه و بدست گرفتن حکومت و رهبریت سیاسی؛ چون عصر غیبت و انتظار یعنی منتظر ماندن و چشم به راه بودن کسی که او رهبر حکومت است، او مسئول تشکیل حکومت است نه دیگران! خلاصه انتظار یعنی کناره جویی پارسایانه و بی‌تفاوتی نسبت به امور جامعه و به قول استاد مطهری، انتظار ویرانگر، بازدارنده، فلج کننده و نوعی اباحی‌گری. انتظار به این معنی یک نوع توکل منفی و سلب مسئولیت از خویش است.

مراجعه به روایات باب انتظار و سخنان دانشمندان فرهیخته نشان می‌دهد که انتظار، مکتب بیداری، اعتراض، قیام و به دست گرفتن نبض جامعه است. چنین برداشتی از مفهوم انتظار درگام نخست با عقل و سپس با صریح قرآن و روایات و در نهایت با برداشت عالمان فرهیخته، ناسازگار است این جا برخی موارد منافی با این برداشت یادآوری می‌شود: عقل حکم می‌کند که هرگاه کسی در آرزو و امید و انتظار پدیده‌ی باشد، برای تحقق و رسیدن به آن پدیده در حد توان و امکان تلاش می‌کند و گر نه کنار نشستن و بی‌حرکی با آرزوی رسیدن به آن پدیده تعارض و ناهمخوانی دارد.

قرآن کریم می‌فرماید: 171#& إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ یعنی از نظر قرآن، دگرگونی و تعیین سرنوشت هر قومی در گرو اعمال و موضع‌گیری‌های خودشان است و مهم‌ترین تحول و پدیده‌ی سرنوشت ساز، زمینه ساز برای ظهور حضرت است که تحقق ظهور بر آن مترتب است. 171#& وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ؛ یعنی یکی از شرایط گشوده شدن برکات الهی ایمان و رعایت تقوا از جانب انسان‌ها است گشوده شدن روزنه‌ی ظهور حضرت مهدی(ع) برترین برکات الهی است و بر اساس این آیه ایمان تقوا که بعد عملی و رفتاری است از راه‌ها و زمینه‌های ظهور حضرت مهدی(ع) است.

در روایات هم آمده است: 171#& افضل اعمال امتی انتظار الفرج؛ نظیر این روایت بارها در منابع حدیثی وارد شده است که فضیلت و ثواب انتظار بسیار سترگ و عالی است. عقل حکم می‌کند که چنین مقامی با انتظار به معنای تلاش و پویایی و حرکت سازگار است. رسول اکرم(ص) بیزاری و برائت از دشمنان را از ویژگی‌های یاران امام غایت می‌داند. طبرانی و ابن ماجه از رسول خدا(ص) نقل می‌کنند: يخرج أناس من المشرق فيوطنون للمهدي سلطانه. یعنی اولاً قیام حضرت مهدی(عج) بدون مقدمه و آمادگی

نیست و ثانیاً این مقدمه سازی دست منتظران است.

در حدیث دیگر، رسول اکرم (ص) یاران و امت آخرالزمان را چنین توصیف می کند: البته در پایان این امت (دوره آخر الزمان) گروهی خواهند بود که پاداش آن ها همانند اجر امت اول اسلام خواهد بود. آنها امر به معروف و نهی از منکر می کنند و با اهل فتنه می جنگند. امام کاظم(ع) نیز استقامت و پایداری در دوستی ائمه (ع) و بیزاری از دشمنان آن ها را از صفات شیعیان در عصر غیبت معرفی می کند. امام باقر(ع) در پاسخ کسی که می پنداشت تمام امور قیام و پیروزی مهدی(عج) خود به خود و با امداد مطلق الاهی و بدون دخالت و تلاش انسان ها محقق می شود فرمود: «هرگز چنین نیست قسم به آن کس که جانم در دست اوست اگر بنا بودی برای کسی کارها خود به خود درست شود همانا برای رسول خدا (ص) چنین می شد. مفضل بن عمر می گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم امیدوارم کار حضرت قائم(عج) به آسانی به نتیجه برسد حضرت فرمود: چنین نخواهد شد مگر اینکه شما و طرف دارانش در عرق و خون خود، غرق شوید.

امام صادق(ع) درباره حداقل آمادگی امت منتظر می فرماید: باید هر کدام از شما در عصر غیبت، خود را برای قیام قائم آماده نمایید حتی با تهیه و تجهیز یک تیر، چون وقتی خداوند ببیند کسی به نیت نصرت و یاری مهدی (عج) اسلحه تهیه کرده است، شاید توفیق درک ظهور او را به او بدهد و او را از یاوران مهدی (عج) قرار دهد. در کتاب «مکیال المکارم« انتظار چنین تعریف شده است: «و هو کیفیه ی نفسانیه ینبعث منها التهیؤء لما تنظره و ضده الیأس فکلما کان الانتظار اشد کان التهیؤء آکد، ألاتری انه اذا کان لک مسافر تتوقع قدومه ازداد تهیؤ، ک لقدومه کلما قرب حینه...« امام خمینی(ره) می فرماید: اگر دستمان می رسید باید تمام ظلمها و جورها را از عالم برداریم، تکلیف شرعی ماست منتهی ما نمی توانیم حضرت مهدی(عج) عالم را پر از عدالت می کند، نه شما دست بردارید از این تکلیفتان، نه اینکه شما دیگر تکلیف ندارید، ما برخلاف آیات شریفه قرآن، دست از نهی از منکر برداریم؟ دست از امر به معروف برداریم و توسعه بدهیم گناهان را برای این که حضرت بیایند؟!«

استاد مطهری سخنی دارد که نشان می دهد دانشمندان شیعی به حکومت زمینه ساز باور داشته اند. بعضی از علمای شیعه که به برخی از دولتهای شیعی معاصر خود حسن ظن داشته اند، احتمال داده اند که دولت حقی که تا قیام مهدی موعود(عج) ادامه خواهد یافت، همان سلسله مورد نظر باشد.